



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 14, No. 1, 2025
Research Paper

A Re-examination and Analysis of Quranic Scholars' Perspectives on the Reasons for Omission in Quranic Intervals

Mohamad Javad Tavakoli Khaniki^{1*}, Mohammad Estiry

Assistant Professor of Mashhad Faculty of Quranic Sciences, Quranic Sciences and Education University, Mashhad, Iran

Master's student of Quran and Hadith Sciences, Mashhad Qur'an Teaching Faculty, University of Holy Quran Sciences and Education, Mashhad, Iran

Abstract

One of the changes and transformations that have occurred in the intervals between Quranic verses, which is prevalent in the Quran, is the alteration of these intervals through omitting words or phrases. Given the significance and central role of this stylistic device in the structure of Quranic verses, this article, using a descriptive-analytical approach, re-examines the perspectives of scholars on this device and their analysis and viewpoints regarding the purposes of omission in these intervals. The aim is to gain a clear understanding of the methods employed by Muslim scholars to discover the reasons behind omissions in these intervals and the resulting outcomes, as well as to identify the strengths and weaknesses of these methods and create a foundation for the utilization of contemporary approaches to address existing shortcomings. Studies conducted by scholars, in terms of their perspectives and the reasons they have provided for omissions in intervals, can be categorized into five groups: literary perspective, aesthetic approach, semantic perspective, the equivalence of meaning and linguistic beauty, and phonological studies. Since the Quran, as the word of God, can accommodate multiple interpretations for a specific instance, most of the reasons presented by scholars, along with modern linguistic methods and approaches, can be used to uncover the semantic and linguistic layers of verses where omissions have occurred.

Keywords: Stylistic Omission, Quranic Intervals, Interval, Verse Divisions.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.136782.1921>

بازخوانی و تحلیل دیدگاه قرآن‌پژوهان درباره کشف علل حذف در فواصل قرآنی

محمدجواد توکلی خانیکی^{۱*}، محمد استیری^۲

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد، مشهد، ایران

tavakoli@quran.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم،

مشهد، ایران

estiry.m.1378@gmail.comr

چکیده

یکی از گونه‌های تغییرات و دگرگونی‌ها در فواصل آیات که در قرآن به طور گسترده روی داده است، تغییر فواصل با بهره‌جویی از اسلوب حذف است. با توجه به اهمیت و جایگاه محوری این اسلوب در ساختار فواصل قرآنی، این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، دیدگاه‌های اندیشمندان درباره این اسلوب و نوع تحلیل و نگرش آن‌ها درباره مقاصد حذف در فواصل را بازخوانی می‌کند تا ضمن دستیابی به تصویری روشن از روش‌های دانشمندان مسلمان به منظور کشف علت حذف‌های رخ داده در فواصل و نتایج حاصل از آن‌ها، نقاط قوت و ضعف آن روش‌ها آشکار شوند و زمینه استفاده از روش‌های روزآمد برای رفع نارسایی‌های موجود فراهم آید. مطالعه‌های صاحب‌نظران از نظر نوع نگرش آن‌ها و دلایلی که برای حذف در فواصل ارائه کرده‌اند، به پنج دسته دیدگاه ادبی، رویکرد زیباشناسانه، دیدگاه معناشناسانه، همپایه بودن معنا و زیبایی لفظ و مطالعه‌های آواشناسانه تقسیم‌بندی می‌شوند. از آنجا که قرآن به عنوان سخن خداوند ظرفیت قبول چندین احتمال را در یک موضوع مشخص دارد، از بیشتر دلایل بیان‌شده توسط اندیشمندان به همراه روش‌ها و رویکردهای نوین زبان‌شناسی، می‌توان برای کشف لایه‌های معنایی و بیانی آياتی استفاده کرد که در فواصل آن‌ها حذف رخ داده است.

واژگان کلیدی: اسلوب حذف، فواصل قرآنی، فاصله، فواصل آیات.

۱- بیان مسأله

تغییرات و دگرگونی‌ها در فواصل آیات که در قرآن به طور گسترده روی داده است، تغییر فواصل با بهره‌جویی از اسلوب حذف است. امروزه، در معناشناسی و زبان‌شناسی اسلوب‌های قرآن، بر روش‌های جدید بسیار تأکید می‌شود؛ این در حالی است که در منابع موجود در سنت

تناسب و هماهنگی در فواصل و پایان بندهای آیات قرآنی یکی از شگردهای بیانی قرآن کریم به شمار می‌رود که در پرتو ژرف‌نگری و پژوهش در آن، می‌توان به نکات و حقایقی گران‌سنگ دست یافت. یکی از گونه‌های

اسلامی مباحث و مطالبی فراوان یافت می‌شوند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد قبل از به‌کارگیری روش‌های نوین زبان‌شناختی و معناشناختی، ضروری است ابتدا منابع اسلامی با نگاهی تحلیلی بازخوانی شوند تا ضمن استفاده از نقاط قوت و داشته‌های موجود، نارسایی‌ها و نقاط ضعف آشکار شوند؛ به این ترتیب، هم دلیلی موجه برای استفاده از روش‌های نوین در دست خواهد بود و هم روشن خواهد شد که برای چه منظوری روش‌های روزآمد به کار گرفته می‌شوند؛ از این رو، ضروری است علاوه بر اینکه از مجموعه‌های داشته‌های موجود در منابع اسلامی بهره‌برداری می‌شود، برای رفع نارسایی‌های موجود از روش‌های نوین زبان‌شناختی - معناشناختی نیز استفاده شود. از آنجا که به نظر می‌رسد این دو موضوع پژوهش‌هایی مستقل هستند، این مقاله فقط برای انجام موضوع نخست نگارش شده است و بررسی معناشناختی و زبان‌شناختی اسلوب حذف با استفاده از روش‌های نوین موضوع مقاله‌ای دیگر است.

اندیشمندان مسلمان در کتب مختلف تفسیری، ادبی، بلاغی و کلامی، به اسلوب حذف در فواصل توجه داشته‌اند و بر اساس برداشتی که برای آن دریافته‌اند، دیدگاه‌های ویژه خود را استوار کرده‌اند. صرف‌نظر از دیدگاه‌های مختلف تفسیری، ادبی و بیانی در این مقاله، با مطالعه این اسلوب، روش‌های استفاده‌شده توسط دانشمندان مسلمان برای کشف علل حذف در فواصل قرآنی با نگاهی توصیفی - تحلیلی بررسی و دیدگاه‌های آنان بازخوانی می‌شوند.

با توجه به نظریه‌هایی گوناگون که درباره حذف در فواصل آیات وجود دارند، به نظر می‌رسد لزوم مطالعه‌ای همه‌جانبه که بتواند این نظریه‌ها را با هم تلفیق کند، ضروری است.

این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که قرآن‌پژوهان درباره علل حذف در فواصل قرآنی چه دیدگاه‌هایی را ارائه کرده‌اند و کدام رویکرد در کشف

مقاصد حذف، نسبت به دیگر رویکردها، راه‌گشا تر است؟ به نظر می‌رسد دیدگاه‌های قرآن‌پژوهان برای کشف مقاصد حذف پنج گونه هستند: دیدگاه ادبی، دیدگاه زیباشناسانه، دیدگاه معناشناسانه، همپایه بودن معنا و لفظ و دیدگاه آواشناسانه. از آنجا که قرآن کریم به عنوان سخن خداوند ظرفیت قبول چندین احتمال را در یک موضوع مشخص دارد، به نظر می‌رسد از بیشتر دلایل بیان‌شده توسط اندیشمندان به همراه روش‌ها و رویکردهای نوین زبان‌شناسی، می‌توان برای کشف لایه‌های معنایی و بیانی آیت‌ای استفاده کرد که در فواصل آن‌ها حذف رخ داده است.

هر کدام از قرآن‌پژوهان، با توجه به شرایط روزگار خود، به نحوی موضوع حذف در فواصل قرآنی را مدنظر قرار داده‌اند؛ به طوری که این بحث را ضمن کتاب‌های ادبی، بلاغی، علوم قرآنی و تفسیر، به طور دقیق بررسی کرده‌اند. نگارندگان در مقاله «سیر تحول تاریخی آرای مفسران درباره اسلوب حذف در فواصل قرآنی» (استیری و توکلی خانیکی، ۱۴۰۱ش) سیر تحول نگرش‌ها به اسلوب حذف تا سده ۱۳ق را با نگاهی نقادانه بررسی کرده‌اند؛ اما در پژوهش حاضر که به شیوه تحلیلی - انتقادی پردازش شده است، به صورت نوآورانه، دیدگاه اندیشمندان تا دوران معاصر درباره دلایل حذف در یک دسته‌بندی جدید بازسامانی شده و آرای طرفداران هر دیدگاه تحلیل و ارزیابی شده است.

در ضرورت انجام چنین کاری، همین بس که پس از شناخت و روشن شدن زاویه‌ها و جهت‌های اهمیت این اسلوب در فواصل قرآنی، بیشتر در آن تدبر و تفکر شده است و در تفاسیر جدید، نقش و کارکردهای آن نشان داده خواهند شد.

۲- تعریف فاصله

در پژوهش‌های قرآنی، تعاریفی متفاوت برای فاصله آیات ارائه شده‌اند و پژوهشگران واحدهای مختلف زبانی

۱-۳- عادت مألوف عرب در حذف واج

سیبویه اولین ادیبی است که درباره فواصل و حذف‌های انجام‌شده در آن‌ها سخن گفته و با رویکردی لفظی و ادبی آن را بررسی کرده است. نگاه وی به فواصل آیات شامل تمام انواع آن، یعنی فواصل میانی (شبه‌فاصله) و پایانی می‌شود (سیبویه، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۸۵) و همین موضوع تا دوران معاصر باعث مناقشه و تخطئه کردن برخی از اندیشمندان (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۴۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۶۶؛ مطعنی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۸؛ علی الصغیر، ۱۴۲۰، ص ۱۴۳؛ بدوی، ۱۴۲۸، ص ۲۶) از نظر تعریف و تعیین حد و حدود اصطلاح فاصله شده است. وی برای حذف‌های رخ داده قاعده‌ای را مبنی بر جواز حذف در فواصل بیان می‌کند مبنی بر آنکه هر آنچه در کلام حذف می‌شود و آنچه نمی‌توان حذف کرد، در فواصل و قافیه‌ها حذف می‌شود و این قاعده عادت مألوف عرب در حذف حرف «یاء» و «واو» است (سیبویه، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۸۵؛ أبوعلی فارسی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۴۰۵؛ أخفش، ۱۴۲۳، ص ۶۰؛ رضی‌الدین استرآبادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۱). همچنین، وی علت حذف یاء در اسم منقوص غیرمنون را این‌گونه بیان می‌کند که بعضی از اعراب اسم منقوص دارای الف و لام را به‌سان اسم منقوص بدون الف و لام قلمداد و «یاء» را در هر دو حالت حذف می‌کنند (سیبویه، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۸۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۲۴). ابن عطیه علاوه بر بیان قاعده سیبویه، وجه حذف «یاء» در اسم منقوص غیرمنون مانند «المتعال» را این می‌داند که تنوین همیشه الف و لام را تعقیب می‌کند؛ بنابراین، زمانی که «یاء» در اسم منون حذف می‌شود، شایسته است در اسمی که معاقب آن وجود دارد نیز حذف انجام شود (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۹۸)

۲-۳- وجود خصوصیتی در فواصل

بعضی در پاسخ به این پرسش که چرا در فواصل روی

را برای آن در نظر گرفته‌اند. برای نمونه، باقلانی و رمانی فاصله را حروفی همانند و هم‌شکل در نظر گرفته‌اند که در مقاطع آیات می‌آیند و در فهم معانی مؤثر هستند (باقلانی، ۱۴۲۱، ص ۵۱؛ رمانی، ۱۴۲۹، ص ۹۷). الدانی و خضر فاصله را کلمه آخر جمله و زرکشی و سیوطی آن را کلمه آخر آیه در نظر گرفته‌اند (الدانی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۶؛ خضر، ۱۴۲۰، ص ۵؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۵۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۱۸۶). ابن منظور و ابن خلدون فاصله را پایان آیه می‌دانند (ابن خلدون، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۲۴). حسناوی آن را توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن تعریف کرده است (حسناوی، ۱۴۰۶، ص ۲۹). یافی فاصله را همان حروف روی یا قطعه یا جزء پایانی آیه در نظر گرفته است (یافی، ۱۴۰۴، ص ۱۵۴). آخوندی آن را از دو جنبه صوتی و دلالتی تعریف کرده است. طبق گفته وی، از نظر صوتی، می‌توان فاصله را کلمه پایانی آیات در نظر گرفت و از منظر دلالتی، می‌توان آن را عبارت‌ها و جمله‌های پایانی و مستقل برخی از آیات در نظر گرفت که در مضمون و محتوای آیه تأثیرگذار هستند (آخوندی، ۱۳۹۵، صص ۸۱-۹۶). از آنجا که از دیدگاه نگارنده، آخوندی با نگاهی دقیق‌تر به موضوع و تعریف فاصله نگریسته است، در انجام پژوهش حاضر، نظر وی به عنوان معیار انتخاب فواصل در نظر گرفته شده است.

۳- رویکرد ادبی

برخی از ادیبان و مفسران صرفاً با رویکردی ادبی و لفظی، اسلوب حذف در فواصل را بررسی کرده‌اند و سعی کرده‌اند توجیهاتی ادبی برای این اسلوب در فواصل آیات داشته باشند. نوع نگاه ادیبان به این رویکرد به انواعی مختلف تقسیم‌بندی می‌شود:

پایانی آیات حذف می‌شود، می‌گویند: «قوافی و فواصل موضع وقف هستند و وقف جایگاه تغییر است؛ بنابراین، تغییرات رخ داده در فواصل به طبیعت و ویژگی آن‌ها برمی‌گردند؛ به طوری که واج پایانی آیات به سمت تضعیف، اسکان، حرکت، اماله، زیادت و حذف متمایل می‌شود» (أبوعلی فارسی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۳۴؛ طبق، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۴)

۳-۳- مختوم شدن فعل به روی نون

مفسری دیگر قاعده‌ای دیگر را بیان می‌کند و علت حذف در عبارت‌هایی مانند «وَمَنْ أَتَّبَعْنِ»، «لَئِنْ أَخَّرْتَنِ»، «رَبِّي أَكْرَمَن» و «رَبِّي أَهَانَن» را این گونه بیان می‌کند: «اهل لغت گفته‌اند اگر فعل به نون ختم شده و در رأس آیه واقع شده باشد، جایز است که حرف «یاء» حذف شود» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۶۷).

ابن عادل در بیان علل حذف در فواصل، ضمن استناد به اشعار عرب، به قواعد ادبی نیز اشاره می‌کند. برای نمونه، وی به نقل از قاریان، درباره حذف «یاء» در عبارت‌هایی مانند «أَكْرَمَن» (الفجر: ۱۵) و «أَهَانَن» (الفجر: ۱۶)، این قاعده را بیان می‌کند که علت اصلی حذف در این فواصل وجود نون و قایه در پایان این افعال است و اگر «نون» نباشد، در بیشتر مواقع «یاء» ثابت می‌ماند (ابن عادل، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۱۱).

همان‌طور که روشن است، ادیبان متقدم و متأخر سعی در ارائه قیاس‌ها و قواعد ادبی درباره این اسلوب در قرآن کریم داشته‌اند و برای تقویت دیدگاه خود به اشعار گوناگون عرب استناد کرده‌اند. اسلوب حذف و اقتطاع «یاء» در کلمه‌ها و جمله‌ها از قواعد مألوف زبان و ادب عربی است و قرآن کریم از چارچوب کلی آن عدول نکرده است. استفاده کردن از عبارت‌هایی همچون «کلام العرب»، «لغة هذیل»، «جمهور العرب»، «نطق عربی» و ... نیز مؤید همین دیدگاه است (فراء، ۱۹۸۰م، ج ۱، ص ۲۰۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۷۷؛ میدانی، ۱۳۶۱ش،

ج ۱۲، ص ۳۳۴). در دوران معاصر، برخی از زبان‌شناسان با بهره بردن از روش‌های نوین و یافته‌های جدید علم زبان‌شناسی، این اسلوب را ذیل مباحث و عناوینی همچون هنجارگریزی، ساختارشکنی و آشنایی‌زدایی بررسی و مطالعه کرده‌اند (مختاری و شانقی، ۱۳۹۵ش، صص ۷۰-۷۲؛ مقیاسی و فرجی، ۱۳۹۵ش، صص ۸۸-۹۰؛ رسولی کهرودی و دیگران، ۱۳۹۸ش، صص ۱۶۵-۱۶۶؛ طالب‌پور، ۱۴۰۰ش، صص ۱۹۱-۱۹۴). لازم است درباره دلالت و به‌کارگیری این مفاهیم و این روش برای مطالعه زبان قرآن و به ویژه مطالعه اسلوب حذف، توضیحاتی داده شود. خروج از زبان معیار به دو گونه رخ می‌دهد: یکی «فراهنجاری»، یعنی خروجی که به هنری شدن زبان و شکل‌گیری «ادبیت» می‌انجامد و دیگری «هنجارستیزی» یا خروجی که به جانب آشفتگی و تخریب نظام معنایی در زبان می‌گراید (فتوحی، ۱۳۹۰ش، ص ۴۱). باید گفت بیان قواعد ادبی توسط ادیبان و مفسران نشان می‌دهد قرآن هرچند یک متن ادبی و ویژه است، این امر به دلیل جدا شدن زبان عادی و ایجاد یک زبان ویژه نیست، بلکه چارچوب نظام قواعد کلی زبان عربی بر آن حاکم است و در عین جدایی‌ناپذیری از زبان عادی، تمایزهایی با آن دارد که توجه به آن‌ها در فهم قرآن ضروری است. قرآن سرشت اولیه و ذاتی عناصر زبانی را تغییر نداده است، بلکه فقط برخی از نقش‌ها و کارکردهای آن‌ها را تغییر داده است. این یکی از ویژگی‌های متون ادبی قوی و ماندگار است که با فراهنجاری از زبان عادی، بر نسل‌های مختلف نیز تأثیرگذار است. آیاتی همچون «بَلِسَانَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء: ۱۹۵)، «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بَلِسَانَ قَوْمِهِ» (ابراهیم: ۴)، «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ» (ابراهیم: ۵۲) بیانگر این موضوع هستند که زبان قرآن پیام خود را در قالب همان زبان حاکم بر عصر خویش بیان کرده است و اگر در تعارض با آن بود، برای مردم زمان خود غیرقابل فهم می‌بود. این بحث هرچند زاینده دوران معاصر و محصول اندیشه زبان‌شناسان روسی است، با پیراسته کردن

خود در قرآن وجود دارد.

۴- رویکرد زیباشناسانه

برخی باور دارند حذف‌های رخ داده در فواصل تفسیری زیباشناسانه بر پایه تناسب فواصل دارند؛ به این معنا که اهمیتی که هماهنگی و تناسب در زیبایی و دلنشینی سخن دارد موجب شده است تا در نظم کلام تغییراتی ایجاد شود و حذف روی دهد. شماری از ادیبان، مفسران و عالمان علوم قرآن در این گروه جای می‌گیرند و این پدیده را به خاطر اختصار، اکتفاء و هم‌شکلی رؤس آیات می‌دانند. در ادامه، به تفکیک، به این دلایل اشاره می‌شود:

۴-۱- مراعات و همگونی فواصل

یکی از اشخاصی که این علت را در فواصل قرآنی بررسی می‌کند، یحیی بن زیاد فراء، نحوی کوفی است. وی در آیات سورة ضحی به اسلوب حذف اشاره کرده و معتقد است «کاف» خطاب به علت مراعات و همگونی لفظی اواخر آیات از فواصل «قَلَى»، «فَأَوَى»، «فَهْدَى» و «فَأَعْنَى» حذف شده است (فراء، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۲۷۴). البته، این نکته را نیز می‌افزاید که ضمیر خطاب در عبارت پیشین بیان شده است و این قرینه‌ای است برای آنکه مخاطب متوجه مقصود شود.

به عقیده خرقانی نیز، جنبه قوی حذف در فواصل آیات بُعد زیبایی آن است. وی برای تأیید دیدگاه خود به حجت‌هایی استناد می‌کند که برای قرائت‌ها بیان شده‌اند. به عقیده وی، لزومی ندارد در همه‌جا معنا را جدای از هماهنگی فواصل جست‌وجو کنیم، بلکه گاه معنا در چگونگی نظم آهنگ و احساس برخاسته از آن است و این معنا اقتضا می‌کند فواصل به شیوه‌ای ویژه پایان یابند و با هم هماهنگ باشند. ایشان پاسخ نقضی مخالفان فواصل از جمله عایشه بنت شاطی را نمی‌پذیرد و معتقد است پاسخ نقضی آن‌ها ما را وادار نمی‌کند تا فواصل را عامل

نواقص و اشکال‌های این نظریه، همچنین، دیدگاه نظریه‌پردازان این نظریه مانند لیج و مطالعة زبان قرآن با رویکرد پدیدارشناختی، می‌توان این اسلوب را ذیل عناوینی زیننده همچون «فراهنجاری» و «برجسته‌سازی» به طور دقیق مطالعه کرد. قرآن، برخلاف دیگر متن‌های ادبی قوی، به قواعد صرفی، نحوی و بلاغی محدود نبوده است، بلکه گاهی با فراهنجاری و نه هنجارگریزی، تشخیصی ویژه به کلام می‌بخشد و معارف فراعرفی را ارائه می‌کند. این امر یکی از محاسن ادبی قرآن است (حسومی، ۱۳۹۲ش، ص ۹)؛ از این رو، باید با تعیین قواعد صرف، نحو و بلاغت معیار و مشهور، فراهنجاری قرآن از آن‌ها را بررسی کرد تا بخشی دیگر از زیبایی‌های مغفول‌مانده این کتاب آسمانی احیاء شود. اگر بنیان‌گذاران علوم ادبی، مانند خلیل، سیبویه و أخفش، درباره اسلوب حذف در فواصل آیات قرآن قواعدی را بیان کرده‌اند، باید گفت آنان به بیان قواعد کلی بسنده کرده‌اند و تمام استثنائات را بیان نکرده‌اند؛ زیرا خلاف این قواعد در قرآن وجود دارد. این میزان از فراهنجاری مختص قرآن است؛ اما اهل زبان نیز با آن بیگانه نیستند و زیبایی آن را درک می‌کنند؛ از این رو، لازم است این فراهنجاری‌ها، به عنوان شاخصه‌های سبک و بیان قرآنی بررسی و استخراج شوند. نگارندگان معتقد هستند می‌توان این اسلوب را هم در حوزه قاعده‌کاهی ذیل برجسته‌سازی نحوی و هم در حوزه قاعده‌افزایی (صفوی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۴۶) توسط ایجاد توازن و موسیقی کلام بررسی کرد (نگارندگان مقاله بر هر دو حوزه قاعده‌افزایی و قاعده‌کاهی، به دلیل عبور و نه عدول از زبان هنجار با هدف هنرمندانه کردن کلام، اسم فراهنجار را اطلاق می‌کنند)؛ در نتیجه، صرف دیدگاه ادبی را نمی‌توان پذیرفت و به دیگر وجوه لفظی و بلاغی نمی‌توان بی‌اعتنا بود؛ زیرا قرآن از ویژگی‌ها و قابلیت‌های این اسلوب به بهترین شیوه استفاده کرده است و اسلوب حذف که موجب هم‌شکلی و هم‌آهنگی در کلام است و آن را زیباتر و مؤثرتر می‌کند، در بالاترین حد

حذف‌ها ندانیم، بلکه هر جا در میانه آیات نیز حرفی حذف شود، ممکن است شبیه فواصل باشد و نظم آهنگ سخن اقتضای حذف آن را داشته باشد (خرقانی، ۱۳۹۰، صص ۱۲۶-۱۲۷).

۲-۴- تخفیف و اختصار

از جمله افرادی که به این علت در فواصل اشاره می‌کنند، ابواسحاق ابراهیم بن سری زجاج، نحوی بغدادی است. وی در «باب ما جاء فی التنزیل من الحروف المحذوفه تشبیها بالحركات»، علت حذف «واو» و «یاء» در فواصل را تخفیف و اختصار در کلام بیان می‌کند و معتقد است اکتفاء به حرکات در کلام عرب ممدوح است. برای نمونه، وی ذیل آیه مبارکه «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» (رعد: ۹). پس از بیان قرائت‌های گوناگون و بررسی دلایل نحوی حذف در فاصله، اجتماع دو دلیل را برای حذف بیان می‌کند: الف) توافق فاصله و ب) ثقیل بودن یاء (زجاج، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۹۰۸). توجه بیشتر مفسران و قرآن‌پژوهان بعد از فراء و زجاج نیز تا دوران معاصر به فواصل از نگاه بلاغت سنتی است. آن‌ها ضمن جمع‌آوری و نظم بخشیدن به تلاش‌ها و نوشته‌های متقدمان، علت حذف‌های رخ داده در فواصل را ایجاد تناسب، اختصار، اکتفاء به حرکت و ظهور محذوف می‌دانند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۱۰؛ نحاس، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۶؛ خفاجی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۵؛ أبو الفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۲۴؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۷۳۹۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۳۱۹؛ سکاکی، بی‌تا، ص ۳۳۵؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۳؛ خطیب قزوینی، بی‌تا، ص ۹۲؛ تفتازانی، بی‌تا، ص ۱۱۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۲۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۹۱؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۲۲؛ مکی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۰۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۱۷؛ زیلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۷۶؛ ابوزهره، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱۷؛ تاج، ۱۳۹۵ق، صص ۳۰-۳۱؛

حسن، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۶۸؛ محمد، بی‌تا، ص ۵۰۹؛ حسینی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱؛ طبل، بی‌تا، ص ۵۶؛ الحسنی، ۱۴۳۷ق، صص ۷۷۷-۷۸۱؛ طاهرخوانی، ۱۳۸۳ش، ص ۹۷؛ قطان، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵۵؛ أبوشادی، بی‌تا، صص ۲۱ و ۶۶؛ یافی، ۱۴۰۷ق، صص ۵۹-۶۳؛ آخوندی، ۱۳۹۹ش، صص ۱۷-۱۸؛ عنکی، ۱۴۳۲ق، صص ۱۱۵-۱۳۴؛ أبوزید، ۱۹۹۲م، صص ۳۶۲-۳۶۵).

برخی از مفسران، ضمن بیان وجوه زیباشناسانه، دیدگاه‌های معناشناسانه را نقد می‌کنند. برای مثال، حسن خان، ذیل آیه ۴ سورة فجر، دیدگاه اخفش را مورد مناقشه قرار می‌دهد و می‌گوید: «اگر بنا بر دیدگاه اخفش، با کاستی و منصرف شدن بخشی از معنای کلمه، لفظ نیز استحقاق کاسته شدن داشته باشد، لازم می‌آید این قاعده کلی در رابطه با تمام مجازات عقلی و لفظی نیز تعمیم پذیرد؛ درحالی که این قاعده در رابطه با مجازات مشاهده نمی‌شود؛ در نتیجه، این قاعده مردود است و نمی‌توان آن را پذیرفت» (صدیق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۴۵).

۳-۴- مراعات طول فقرات

بلقاسم، از قرآن‌پژوهان معاصر، دیدگاهی جدیدتر را نسبت به متقدمان و معاصران خودش بیان می‌کند. وی معتقد است صرف هم‌شکلی فواصل نمی‌تواند دلیل قابل تعمیم برای حذف در فواصل باشد؛ زیرا برای قرآن کریم دشوار نیست که واژه‌ای را جایگزین کند که بدون نیاز به حذف، موجب مراعات فواصل شود و همان معنا و غرض را بدون هیچ‌گونه تکلفی افاده کند. علت اصلی حذف حفظ وحدت فقرات آیات است، مانند آیه مبارکه «فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي» (قمر: ۱۶). حرف یاء از کلمه «نُذْرِي» در چندین آیه (قمر: ۱۸، ۲۱، ۳۰، ۳۷، ۳۹) حذف و موجب رعایت طول فقرات آیات شده است. وی در رابطه با حذف رخ داده در آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ» (فجر: ۴) می‌نویسد: «اگر کسر پایان کلمه «یسر» را امتداد دهیم، به طوری که به «یاء» مدی تبدیل شود، این امتداد موجب کشش صوت

می‌شود؛ در حالی که این کشش آوایی در سیاق این آیه مشاهده نمی‌شود» (بلقاسم، ۱۴۳۰ق، ص ۴۸)

۴-۴- مراعات سجع و قافیه

بعضی دیگر وجوه لفظی و زیبایی‌شناختی را پررنگ‌تر جلوه می‌دهند و از میان حذف‌های رخ داده در فواصل، به حذف حرف «یاء» بیشتر توجه می‌کنند و به جای استفاده از واژگانی مانند فاصله، آیه و ...، از اصطلاحاتی مانند رعایت قافیه، وزن شعر و ... استفاده می‌کنند که از دیدگاه علمای متأخر و متقدم، استعمال این واژگان نوعی نقص محسوب می‌شود و شایسته است از واژگانی استفاده شود که متناسب با جایگاه قرآن و عظمت آن باشند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۶۸؛ لاشین، ۱۴۳۵ق، ص ۶؛ خرقانی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۵۲). برای مثال، آن‌ها برای حذف یاء در عبارت‌های «يَهْدِينِ»، «يَسْقِينِ» و «يَشْفِينِ» (شعراء: ۷۸-۸۰)، علت حذف «یاء» را محافظت بر حرف قافیه بیان می‌کنند (عبدالطوب، ۱۹۹۵م، صص ۸۵-۸۷).

به هر حال، این گروه باور دارند تغییرات و دگرگونی‌های پایان آیات به دلیل مراعات تناسب و توازن فواصل هستند و هر کجا که حذفی را دیده‌اند، یکی از عوامل را تناسب فواصل بیان کرده‌اند؛ با این حال، وجود حکمت‌های دیگر را نیز رد نکرده و به آن‌ها نیز اشاره کرده‌اند؛ اما در دیدگاه آنان، بیان جنبه‌های زیبایی‌شناختی غلبه داشته است. برای نمونه، آلوسی ذیل آیه مبارکه «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» (ضحی: ۳)، به وجه معنایی حذف «کاف» در عبارت «قَلَى» توجه می‌کند و می‌نویسد: «حذف مفعول به این علت است که پیامبر (ص) با نسبت «قَلَى» مواجه نشود و همین که عبارت منفی آمده است، به این معنا است که خداوند برگزیده خود را مورد لطف و شفقت قرار داده است یا اینکه این حذف برای تعمیم بخشی و توسع معنا است. به عبارت دیگر، خداوند متعال نه پیامبر و نه هیچ‌کدام از پیروان او را تا روز قیامت

طرد نمی‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۷۵). آلوسی ذیل همین آیه، به احتمالات دیگر همچون بی‌نیازی از بیان مفعول و مراعات فواصل اشاره می‌کند (همان، ص ۳۷۵). اگرچه مفسرانی مانند آلوسی ذیل تعدادی اندک از آیات به وجوه معناشناختی توجه کرده‌اند، آنچه در نوع نگاه این مفسران در بیان علت حذف غلبه دارد، جنبه‌های زیباشناختی است.

بی‌شک، قول موفقان تغییر برای هماهنگی فواصل را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا هر واژه‌ای در قرآن در جایگاه شایسته خود نهاده شده است و در هیچ کلمه‌ای، صرفاً به علت رعایت فاصله، حذفی رخ نداده است؛ زیرا قائل شدن به رعایت فاصله اثبات یک محذوریت و ضرورت است؛ همچنان که در بسیاری از سجع‌ها و شعرها گفته‌اند به دلیل محافظت بر سجع و قافیه، روی پایانی فلان کلمه حذف شده است؛ درحالی که قرآن نه شعر است و نه در آن التزامی به سجع وجود دارد و از جانب خداوندی است که هیچ‌گونه ضرورتی بر او عارض نمی‌شود.

از آنجا که هدف اصلی قرآن انتقال پیام در راستای هدایت بشر است، نمی‌توان مدعی شد مفاهیم قرآن فقط کارکرد زیبایی‌شناختی و هنری دارند؛ همان‌گونه که رمانی در رساله خودش «النکت فی إعجاز القرآن» می‌نویسد: «فواصل القرآن كلها بلاغة و حكمة، لأنها طريق إلى إفهام المعاني»؛ یعنی تمام فواصل قرآن بلاغت و حکمت هستند؛ زیرا فهم معانی به وسیله آن‌ها محقق می‌شود (رمانی، ۱۴۲۹ق، ص ۹۸)؛ بر همین اساس، لزوم شناخت سطوح معنایی و همچنین، شیوه تولید معنا اهمیتی ویژه می‌یابد؛ بنابراین، موضوعی که در اینجا خودنمایی می‌کند و طرفداران این دیدگاه به آن اشاره نکرده‌اند، اسلوب و سازوکار شکل‌گیری و مراحل تولید تا دریافت معنا در ژرف ساخت اسلوب حذف در فواصل قرآنی است.

۵- دیدگاه معناشناسانه

گروهی دیگر عقیده دارند زیبا و هماهنگ کردن

فواصل نمی‌تواند باعث بروز حذف در فواصل شود. زیبایی لفظی اگرچه حاصل این دگرگونی‌ها است، نمی‌تواند سبب‌ساز آن باشد و در اینجا، اسرار و حکمت‌هایی دیگر در شیوه تعبیر قرآن وجود دارند و باید به دنبال نکات معنایی و بلاغی دیگری بود.

اولین مفسری که بیشتر به وجوه معناشناسانه حذف در فواصل توجه می‌کند، ابراهیم بن عمر بقاعی است. وی در تفسیر خود، برخلاف آنچه در کتاب *الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة* بیان شده است (أبو حسان، ۱۴۳۱ق، ص ۹۸)، در ۹ موضع دلایل معناشناسانه را ارائه می‌دهد (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، صص ۱۹۲، ۴۸۶، ۲۵۴، ۳۶۷، ۳۶۳، ۴۹۴؛ ج ۸، صص ۷۸، ۴۱۴). برای مثال، بقاعی حذف «یاء» در عبارت «وَلَا يَنْقُذُونَ» (یس: ۲۳) را نشان‌دهنده اراده و قدرت ضعیف معبودان دروغین برای نجات‌بخشی بشریت در برابر قدرت لایزال خداوند می‌داند (همان، ج ۶، ص ۲۵۴).

در دوران معاصر، به ویژه بعد از بنت شاطی، جریان مخالفت با ارجاع تغییرات به مراعات فواصل رشدی چشمگیر کرده است. وی در کتاب *الإعجاز الیسانی و مسائل ابن‌زرق و تفسیر بیانی خود*، علت حذف در فواصل را صرف مراعات و زیبایی لفظ نمی‌داند، بلکه غرض از حذف را ناشی از مقتضیات معنایی می‌داند که در کنار آن، تناسب و توازن پایان بندهای آیات از معانی و مفاهیم پیروی می‌کند. وی در رد نظریه کسانی مانند فراء و ابن سنان خفاجی که علت حذف حرف «یاء» را در عبارت‌های «بَسْرَ» و «بِالْوَادِ» رعایت فواصل بیان می‌کنند، چنین استدلال می‌کند که چنین حذف‌هایی در اواسط آیات نیز رخ داده‌اند؛ مانند «يَوْمَ يَلْعُ الدَّاعُ» (قمر: ۶)، «أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا» (بقره: ۱۸۶)، «مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ» (قمر: ۸). در این سه آیه، حرف «یاء» از پایان کلمه «الدَّاعِ» حذف شده است (بنت شاطی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۰). وی در سوره ضحی که فراء، فخررازی و نیشابوری حذف کاف از عبارت «وَمَا قَلَى» (ضحی: ۳) را به خاطر

رعایت فواصل می‌دانند، توجیهی زیبا می‌آورد مبنی بر آنکه خداوند ابا داشته است که رسول خویش را به صریح عبارت «وَمَا قَلَى» خطاب کند؛ زیرا در این واژه احساس طردی ویژه و بغضی شدید وجود دارد (همان، ص ۲۶۸).

احمد یاسوف عقیده دارد محتوا بر ساخت فواصل آیات حاکمیت دارد؛ از این رو، آنچه مقدم است معنا است (یاسوف، ۱۳۸۸ش، ص ۳۵۲). برای مثال، وی علت حذف «یاء» در عبارت «فَبَشِّرْ عِبَادِ» (زمر: ۱۷) را دلالت بر سبقت و سرعت نیکوکاران به سمت عبادت و کسب پاداش الهی می‌داند (همان، ۱۴۲۷ق، ص ۴۶۸).

اندیشمندی دیگر، بعد از بیان انواع حذف «یاء» و گونه‌های حذف در فواصل، به طور خلاصه دیدگاه مفسران و قاریان درباره کشف علل حذف در فواصل را بیان می‌کند و در آرای آنان این‌گونه مناقشه می‌کند: «از هیچ کدام از مفسران نمی‌بینیم که علل معنوی حذف در فواصل را کشف کند، به جز بقاعی که در چند نمونه به این مهم توجه نشان می‌دهد» (أبو حسان، ۱۴۳۱ق، ص ۱۹۸)؛ بنابراین، او صرفاً به علل معناشناختی توجه می‌کند و وجوه موسیقایی و رعایت فواصل را برای حذف بیان نمی‌کند.

وی ضمن بیان بخشی از دلایل بیان‌شده توسط بقاعی، برخی از دلایل معنوی را قانع‌کننده و برخی را متکلف می‌داند و استخراج این معانی را نیازمند بررسی و تحلیلی عمیق و جدید می‌داند (همان، ص ۲۰۱). سپس، حاصل تدبرهای خود را به منظور کشف دلایل معنایی از بعضی از آیات بیان می‌کند که در فواصل آن‌ها حذف رخ داده است. برای نمونه، أبو حسان برای حذف «یاء» در عبارت «أَنَا أَنبِئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ» (یوسف: ۴۵) می‌گوید: «شاید حذف یاء مشیر به طلب تسریع در فرستادن خودش باشد. به علاوه، آن شخص حریص است تا هرچه سریع‌تر یوسف (ع) را ملاقات کند تا کسی در ملاقات او از وی سبقت نجوید و این حذف نشان‌دهنده اراده او برای رسیدن به جواب است تا منازعات و مجادلات برخاسته از

تعبیر خواب را خاتمه دهد» (همان).

برخی نیز برای اسلوب حذف در فواصل علل معناشناختی را کشف می‌کنند و برای کشف علت حذف در فواصل به ارتباط میان بافت و سیاق معنایی توجه می‌کنند و نظریه قبض و بسط کلام در آیه را ارائه می‌دهند. از دیدگاه آن‌ها، برخی از صحنه‌ها و تصاویر اقتضای بیان و بعضی از فضاهای حاکم بر سوره اقتضای حذف دارند؛ بنابراین، با توجه به بافت و سیاق آیه، حال و مقام مضمون آیه، بیان و حذف رخ می‌دهد (جیوسی، ۱۴۲۶ق، صص ۳۱۶-۳۱۷).

قرآن‌پژوهی دیگر وجوه معناشناختی حذف در فواصل را کشف می‌کند و معتقد است در اسلوب قرآنی، مقصود اولی است و الفاظ با آهنگ زیبای خود تابع معنا هستند و این سیاق معنا است که ایجاب می‌کند کدام واژه به کار رود و ریتم موسیقی چگونه باشد (خلیفه، ۱۴۲۶ق، ج ۹، ص ۱۱). وی به پیروی از جریان فکری عایشه بنت شاطی و به منظور تقویت این جریان، وجوه نقضی دیگری را برای طرفداران دیدگاه زیباشناسانه بیان و در دیدگاه آنان مناقشه می‌کند؛ از جمله به آیات ۴۳ الی ۴۵ سوره «ق» استشهد می‌کند مبنی بر اینکه در فاصله آیه ۴۵ «فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ» روی پایانی با حرف «د» پایان یافته است و با فواصل قبلی خود هیچ‌گونه تناسبی ندارد (همان، صص ۸۰-۸۱). در ادامه، وی با اشاره به اینکه کلمه «الْمُهْتَدِ» (اسراء: ۹۷) در غیرفاصله حذف شده است، می‌نویسد: «اگر همین کلمه در فاصله قرار می‌گرفت، به یقین (طرفداران جنبه‌های هنری و زیباشناختی) می‌گفتند این حذف به منظور رعایت فواصل و موسیقی آیات رخ داده است» (همان، صص ۸۱-۸۲).

ادیب معاصر، فاضل صالح سامرائی، نیز بیشتر به وجوه معنایی حذف در فواصل توجه می‌کند و برای بیان این وجوه، نگاهی دقیق به فضای کلی سوره دارد و با رویکردی ساختاری و آماری به سوره، دلایلی را بیان می‌کند. برای مثال، برای عبارت «لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ» (غافر:

۱۵) می‌گوید: «از جمله ظواهر تعبیری در قرآن کریم این است که زمانی که واقعه‌ای به طور ناقص انجام شود، به همان میزان از حروفش کاسته می‌شود و در واژه «التَّلَاقِ» از آنجا که ملاقات در روز قیامت از نظر طول تبادل سخن همانند ملاقات در دنیا نیست، این حذف رخ داده است که البته باعث رعایت فواصل نیز می‌شود» (سامرائی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، صص ۲۴۷-۲۴۸). سامرائی وجه فاصله را به عنوان دلیل ثانویه بیان می‌کند.

نمونه‌ای دیگر از توسعه دیدگاه معناشناختی را می‌توان در آثار عبدالعظیم مطعنی مشاهده کرد. وی صرف فاصله را برای علت حذف‌های رخ داده کافی نمی‌داند؛ اما علت فاصله را از اختصار کامل‌تر می‌داند (مطعنی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، صص ۵۸-۶۰) و در آثار خود بیشتر به وجوه معناشناختی توجه و آن‌ها را تقویت می‌کند. وی در کتاب *لطائف وأسرار خصوصیات الرسم العثماني للمصحف الشريف*، به وجوه معنایی حذف «یاء» در فواصل اشاره می‌کند (همان، بی‌تا، ج ۲، صص ۴۰-۸۱). برای مثال، حذف «یاء» در «الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» (رعد: ۹) را این‌گونه بیان می‌کند که ممکن است مراد از حذف «یاء» این باشد که تمام غیب از خداوند است و هیچ کس در آن شریک نیست یا ممکن است دلیل حذف این باشد که این تعالی کاملاً آشکار نیست و هیچ کس جز خداوند بر آن احاطه ندارد. غرض سوم تحقق تناسب صوتی است (همان، ج ۲، ص ۷۶).

می‌توان نتیجه گرفت هیچ کدام از مفسران و قرآن‌پژوهان مخالف ارزش هماهنگی لفظی و موسیقی برخاسته از رعایت فواصل نیستند. در علم بلاغت، دلالت‌های معنایی و جنبه‌های لفظی و زیباشناختی این دانش را معنا می‌کنند و نمی‌توان آن‌ها را از بلاغت و از همدیگر تفکیک کرد (عطیه، ۱۴۱۶ق، ص ۳۹). آنچه از دیدگاه بنت شاطی در فواصل میانی نادیده انگاشته شده است، تأثیر این فواصل در موسیقی و ضرب آهنگ آیات (خرقانی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۷) و نادیده گرفتن دیگر صناعات بلاغی مانند جناس است (پاشازانوس و دیگران،

۱۳۹۴ش، ص ۳۴). بنت شاطی و خلیفه درباره فواصل منفرد نیز زیبایی حاصل از تغییر روی پایانی کلمات را نادیده می‌انگارند و هیچ‌گونه تناسبی میان آن‌ها برقرار نمی‌کنند. در پاسخ باید گفت در برخی از آیات عنصر انسجامی فاصله وجود ندارد و قرابتی که حرف پایانی این گونه آیات با حروف پایانی آیات قبل و بعد از خود دارد، به نوعی به حفظ ارتباط میان آیات منجر شده است؛ بنا بر این تفصیل، به سبب حفظ انسجام آوایی در سراسر متن سوره، بیشتر فواصل منفرد به گونه‌ای آمده‌اند که هرچند با آیات قبل و بعد از خود هم‌سجع نیستند؛ به سبب شباهت و اشتراک آوایی که با آن‌ها دارند، خالی از انسجام آوایی نیستند و نقشی برجسته در یکپارچه‌سازی متن سوره دارند (کردزعفرانلو کامبوزیا و شهرکی، ۱۳۹۴ش، صص ۷۴-۸۶؛ پاشازانوس و فولادی، ۱۳۹۵ش، صص ۸۱-۸۲). از اشکال‌های دیگر این دیدگاه که گاه شاهد بیان این اشکال توسط طرفداران این دیدگاه همچون ابوحسان هستیم، افتادن در ورطه تکلف برای کشف معانی است. در ادامه اشکال ابوحسان باید گفت اسلوب حذف در فواصل قرآنی باید کاملاً روشمند و در چارچوب اصول و قواعد موجود در زبان ادبی قرآن فهم و تفسیر شود؛ از این رو، فهم این زبان خارج از قواعد زبان ادبی مصداق تفسیر به رأی است که باید به شدت از آن اجتناب کرد. برداشت‌هایی که گروه‌های مختلف، به دلیل ناآشنایی با زبان ادبی قرآن و قواعد حاکم بر آن داشته‌اند، بسیار زیاد هستند. در این میان، برخی به دلیل ناآشنایی با زبان ادبی قرآن و ویژگی‌های آن، قواعد تفهیم و تفاهم موجود در زبان را نادیده انگاشته‌اند و هر گونه فهمی را صحیح دانسته‌اند؛ درحالی که این دیدگاه کاملاً مردود است و تهدیدی بزرگ علیه آموزه‌های قرآنی است. همه این برداشت‌ها ناشی از ناآشنایی با زبان ادبی قرآن و اقتضائات آن است (حسومی، ۱۳۹۲ش، ص ۸). در دوران معاصر، بنت شاطی را می‌توان از جریان‌سازان این دیدگاه قلمداد کرد و مفسران بعد از وی نیز بیشترین استناد و

ارجاع را به آثار ایشان در رابطه با مباحث بیانی قرآن و بیان توجیهات معنایی داشته‌اند.

۶- همپایه بودن معنا و زیبایی لفظ

از میان دو دیدگاه پیشین در باب اسلوب حذف در فواصل قرآنی، یکی اصالت را به لفظ می‌داد و دیگری به معنا. می‌توان دیدگاهی دیگر را نیز بیان کرد که تفسیر معنائشناسانه و زیباشناسانه را درهم آمیخته و همپای هم می‌داند. در مجموع، بسیاری از معاصران تأکید می‌کنند قرآن کریم در آن واحد، هم حق لفظ را ادا می‌کند و هم حق معنا را و هیچ‌کدام را به تنهایی در نظر نمی‌گیرد.

فخررازی از جمله مفسرانی است که در تفسیر اسلوب حذف در فواصل، هر دو جنبه زیباشناسانه و معنائشناسانه را در نظر می‌گیرد و به آن اشاره می‌کند. ایشان برای حذف «کاف» در آیه «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» (ضحی: ۳)، دو وجه را بیان می‌کنند: الف) حذف کاف به دلیل اکتفاء به «کاف» در عبارت «وَدَّعَكَ» و همچنین، به این دلیل که رثوس آیات با حرف «یاء» ختم شده‌اند؛ در نتیجه، اتفاق فواصل واجب و «کاف» حذف می‌شود. ب) حذف کاف دارای فائده اطلاق است و موجب توسعه گستره معنایی آیه می‌شود (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۹۲).

بعضی نیز ضمن بیان وجوه زیباشناختی همچون رعایت فاصله، در تفسیر خود وجوه معنوی را نیز بیان می‌کنند. برای نمونه، علت حذف ضمیر کاف در عبارت‌های «فَأَوَى»، «فَهْدَى» و «فَأَعْنَى» (ضحی: ۶-۸) را این گونه بیان می‌کنند: «نعمت‌هایی که در این آیات بیان شده‌اند نعمت‌هایی مادی هستند و علت حذف ضمیر «کاف» نیز عدم سنگینی منت بر دوش نبی اکرم (ص) است؛ اما در آیات ۱ الی ۴ سوره انشراح «کاف» بیان شده است؛ زیرا تمام نعمت‌های بیان‌شده معنوی هستند و خداوند این نعمت‌ها را مختص پیامبر (ص) قرار داده است» (شنقیطی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۶۳).

محمد طبق به تمام آرای نحویان کوفی و بصری توجه و به نقل از ادیبانی همچون خلیل، سیبویه و زمخشری، به قواعد ادبی اشاره می‌کند و بعد از بیان قواعد مألوف بلاغت عربی، اغراض ویژه، یعنی علل معناشناختی حذف «یاء»، را بیان می‌کند (طبق، ۱۴۱۳ق، صص ۲۱۱-۲۱۸). آنچه وی به عنوان سرّ ادبی حذف در فواصل بیان می‌کند، مقوله تخفیف در کلام عرب است (همان، صص ۲۱۱-۲۱۲) و آنچه به عنوان علت اصلی حذف از نظر معنایی مطرح می‌کند، تأثیر ملکوتی و روحانی بودن معانی در حذف است (همان، صص ۲۱۶-۲۱۸)؛ یعنی از آنجا که مخاطب قرآن درکی ناقص نسبت به آن مفهوم دارد و نمی‌تواند به صورت محسوس به تمام جوانب آن آگاه باشد، از لفظ نیز کاسته می‌شود. برای مثال، وی علت حذف در عبارت‌هایی همچون «يَوْمَ التَّلَاقِ» (غافر: ۱۵) و «يَوْمَ التَّنَادِ» (غافر: ۳۲) را این می‌داند که این مفاهیم ملکوتی و اخروی هستند و امکان ادراک کامل این معانی در دنیا وجود ندارد؛ بنابراین، از لفظ نیز کاسته شده است (همان، ص ۲۱۷).

یکی دیگر از صاحب‌نظران وجوه لفظی و معنایی را در کنار یکدیگر بیان می‌کند و برای هر سیاقی که حذف در آن رخ می‌دهد، قائل به بلاغتی منحصر به فرد است. از دیدگاه وی، در حذف‌های رخ داده در فواصل قرآنی، موسیقی همراه با ایجاز محقق می‌شود (خضر، ۱۴۲۰ق، ص ۱۷۶). وی برای کشف علل معناشناختی حذف مفعول، مؤلفه‌های معنایی مواسات و تخفیف، افاده عمومیت و تنزیل فعل متعدی به منزله لازم را مطرح می‌کند. به عقیده او، تمام آیاتی که در فواصل آن‌ها حذف مفعول به رخ داده است را می‌توان ذیل یکی از این سه مؤلفه معنا کرد (همان، صص ۱۳۰-۱۳۲). برای مثال، در عبارت «فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۱۲۱)، علت معنایی حذف معمول اسم فاعل را این‌گونه بیان می‌کند که خسارت دارای انواعی متعدد است و می‌توان خسارت به نفس، جایگاه اخروی، فرزندان و ... را از مصادیق این خسارت قلمداد

کرد؛ بنابراین، ذهن برای تصور محذوف آزاد گذاشته شده است تا هر گونه خسارتی را متصور شود و همراه با این علت معنوی، رعایت موسیقی فاصله نیز محقق شده است؛ درحالی که اگر مفعول به بیان می‌شد، تمام جوانب ممکن به یک جنبه و یک تصور مشخص محدود می‌شدند (همان، ص ۱۷۶). او حذف حرف، مانند حذف حرف «یاء» متکلم، را صرف رعایت فاصله و موسیقی فواصل بیان می‌کند و وجه معنایی برای آن بیان نمی‌کند (همان، صص ۱۷۶-۱۷۷).

عده‌ای دیگر، بعد از بیان دیدگاه مفسران و قرآن‌پژوهانی همچون فخر رازی، بقاعی، سامرائی و عایشه بنت شاطی، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که برای کشف اغراض حذف در فواصل، نمی‌توان فقط به بیان یک غرض یا یک بعد ساختاری مانند دیدگاه معنوی، دیدگاه لفظی، مقتضای حال و سیاق و ... اکتفا کرد، بلکه تمام این وجوه را می‌توان در موازات یکدیگر اثرگذار دانست؛ به این معنا که در یک گونه فراهنجاری رخ داده در فواصل، مانند اسلوب حذف، می‌توان تمام وجوه ممکن مانند معنا، سیاق، موسیقی، خواتم آیات، فضای سوره، امور بیانی، امور تعبیری و هنری را در نظر گرفت و همه آن‌ها را مورد تتبع و تدقیق قرار داد (عیسی و سلیمان، ۲۰۱۹م، صص ۲۲۶-۲۳۳).

این دیدگاه بعدها طرفدارانی زیاد پیدا کرد و در منابع بسیاری آمد (عطیه، ۱۴۱۶ق، صص ۲۹۴-۲۹۷؛ محجوب، ۱۴۱۷ق، صص ۹۹-۱۰۲؛ عوده، ۱۴۲۴ق، صص ۶۵-۶۶؛ عبدالحمید، ۱۴۲۸ق، صص ۳۰۸-۳۰۹؛ خلوف، ۱۴۳۰ق، صص ۱۸۹-۱۹۰؛ لاشین، ۱۴۳۵ق، صص ۲۷-۲۸؛ نصار، ۱۹۹۹م، صص ۱۵-۱۹؛ نجاریان، ۱۳۸۵ش، صص ۶۰۵-۶۰۸؛ شهبازی و شهبازی، ۱۳۹۲ش، صص ۶۵-۶۶).

به عقیده نگارندگان، هماهنگی فواصل و تفاسیر زیباشناسانه ممکن است به یک میزان برای ژرف‌کاوی در اسلوب حذف در فواصل مهم باشند و ترجیح دادن آن‌ها بر یکدیگر، آن‌گونه که برخی از قرآن‌پژوهان معاصر بیان

کرده‌اند، نمی‌تواند درست باشد؛ بنابراین، نقش زیبایی‌های لفظی و نکات معنایی به یک میزان در این اسلوب چشمگیر و جالب توجه است؛ اما باید این نکته را نیز در نظر گرفت که نباید در توجیه جنبه‌های لفظی و معنایی دچار تکلیف شد، بلکه هر کدام از این تفاسیر مانند هماهنگ‌سازی فواصل ممکن است در مقام بیان ادله کفایت کند.

۷- مطالعات آواشناسانه

امروزه، نشانه‌های آوایی در حوزه زبان‌شناسی و به ویژه در حوزه شعر و متون ادبی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته‌اند. قرآن کریم به عنوان نماینده کلام الهی از تمام ظرفیت‌های مؤثر زبان در انتقال پیام خود بهره گرفته و با در نظر گرفتن معانی، توجه ویژه در انتخاب واژگان و آرای آن‌ها داشته و این امر باعث فصاحت و بلاغت هرچه بیشتر آن شده است. از شگفتی‌های نظم و زیبایی‌های سبک نوین قرآن آن است که آوای حروف واژگان آن با معانی که در جان مخاطب جای می‌دهد، هم‌ساز است؛ گویا لفظ و معنا در رساندن مقصود بر هم پیشی می‌جویند و یکی بر گوش دیگری بر دل فرود می‌آید.

در قرآن، تصویری که از آواها به دست می‌آید، نشانه آن است که این معانی از طریق قرائن و قواعد ادبیات عرب، نشانه‌های زبان‌شناختی، قواعد آواشناسی و مبانی علم موسیقی به دست می‌آیند (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۱۷)؛ بنابراین، ایجاد تصویرسازی ذهنی برای مخاطب از فضای کلام و حالت‌های گوینده از دیگر دستاوردهای نشانه‌شناسی آوایی است.

سید قطب احتمالاً نخستین کسی است که قرآن را از جنبه‌های هنری و زیباشناسی تجسمی بررسی کرده است (ضیایی و ماهرورزاده، ۱۴۰۰ش، ص ۶۰). به اعتقاد او، قرآن کریم در بیان اغراض گوناگون در بهترین وجه از قاعده تصویر بهره برده است؛ گویا این قاعده عام و فراگیر

ابزاری مؤثر در بیان قرآن است (همان، ص ۵۹). وی در کتاب *التصویر الفنی فی القرآن*، ذیل فصلی با عنوان «التناسق الفنی»، به اسلوب حذف در فواصل آیات قرآن اشاره می‌کند (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ص ۸۷). از تحلیل‌ها و تفسیرهای او درباره اسلوب حذف در فواصل آیات چنین به دست می‌آید که تصویر هنری عنصری اساسی از عناصر بیان است. وی آیات حاوی اسلوب حذف در فواصل را با نگاه زیباشناسانه تحلیل و بررسی می‌کند که دلیل این امر به روحیه ادبی و ذوقی ایشان برمی‌گردد. برای نمونه، وی به حذف «یاء» در عبارت‌های «یَسْقِینَ»، «یَهْدِیْنِ» و «یُخْبِیْنِ» در فواصل آیات ۷۸ الی ۸۱ سورة شعراء اشاره می‌کند و علت حذف را هماهنگی با فواصل قبلی و خوش‌آهنگ‌تر شدن آیات تلقی می‌کند (همان، ص ۱۰۵).

طالقانی از مبانی زبان‌شناسی و ریشه‌شناسی نوین در روش تفسیر بیانی الهام گرفته و برای فهم آیات از آن‌ها بهره گرفته است؛ بنابراین، وی در توجیه و بیان علل حذف در فواصل آیات، نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی بدیع را ارائه کرده است. برای نمونه، در افعالی مانند «أُكْرَمْنَ» و «أَهْلَانِ» (فجر: ۱۵-۱۶)، علت حذف «یاء» را انسجام فواصل یا نمایاندن حالت خضوع متکلم بیان می‌کند که در حال وصل یا ابراز شخصیت این یاءات آشکار می‌شود (طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ص ۸۲). از مثال یادشده مشخص است از دیدگاه طالقانی، بین موسیقی و معنا پیوندی عمیق برقرار است.

برخی نیز به بیان وجوه آواشناسی در حذف در فواصل اشاره می‌کنند و می‌گویند: «حذف گاه موجب اختتام آیات به روی نون می‌شود که دارای صفت غنه است و این صفت موجب ترنم می‌شود» (علی الصغیر، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۴).

زبان‌شناسی دیگر اهمیتی بسیار زیاد به رعایت موسیقی فواصل می‌دهد و در همین رابطه، دیدگاه قاریان و نحویان را نقد و ارزیابی می‌کند. وی درباره ابقای «یاء»

در اسم منقوص منون اشکال می‌کند و حذف «یاء» اسم منقوص در فواصل را نیکو می‌شمارد. آنیس برای حالت‌های اعرابی اسم منقوص در فواصل هیچ تفاوتی قائل نمی‌شود و آنچه برای او بیشتر اهمیت دارد مراعات و تشاکل موسیقی فواصل است (آنیس، ۱۹۶۶م، ص ۲۱۷). برای مثال، وی حذف «یاء» در کلمه «التَّارَاقِي» (قیامت: ۲۶) را با وجود اینکه در محل نصب قرار دارد، واجب می‌داند؛ زیرا معتقد است وقف بر روی حرف «قاف» در فواصل این آیات موجب آرامش نفوس و آشکار شدن موسیقی می‌شود و تحقق حکمت فنی و ادبی را جز با حذف «یاء» و مراعات موسیقی فواصل ممکن نمی‌داند (همان، ص ۲۱۸).

در مجموع، می‌توان گفت بیشتر اندیشمندانی که با نگاه آواشناسانه به اسلوب حذف در فواصل قرآنی نگریسته‌اند، صرفاً به موسیقی، هارمونی و ترنم حاصل‌شده از واج پایانی آیات توجه کرده‌اند و دیگر مباحث نشانه‌شناختی را نادیده گرفته‌اند. رویکرد معناشناسی آوایی (فونوسمانتیک) از جمله مباحث زبان‌شناسی است که در آن، متغیرهای فونوتیک، هجایی و آوایی با متغیرهای سمانتیک و معنایی همراه و همپا هستند و از آن با عنوان موسیقی باطنی و نغمه درونی نیز یاد می‌کنند و مانند آینه‌ای است که معنا در آن تجلی می‌یابد (فراستخواه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۶۵). باید توجه داشت این رویکرد برای مطالعه علت حذف در فواصل قرآنی کامل‌تر از مطالعه‌هایی است که صرفاً این اسلوب را در سطح فونولوجی و فونوتیک بررسی می‌کنند. روش آوامعنایی، علاوه بر کشف زیبایی‌های آوایی، می‌تواند به کشف لایه‌های معنایی نیز کمک کند. برخی از اندیشمندان، همچون آنیس، در نگاه آواشناختی دچار تکلف شده‌اند و بدون در نظر گرفتن وجوه لفظی و معنوی حذف در فواصل، مقاطع موجود در فواصل را برتابیده‌اند و سعی در یکسان‌سازی هارمونی و آوایی فواصل داشته‌اند. در پاسخ اشکال وی به قاریان و نحویان باید گفت از آنجا که

قرآن به فصیح‌ترین اسلوب‌های کلام عربی نازل شده است، فواصل آیات نیز در ازای ورود سجع در کلام هستند؛ اما همیشه فواصل به یک سبک نیامده‌اند؛ زیرا انشای متن مسجوع به یک روی پسندیده نیست و باعث اضطراب و رفتن به سوی تکلف و ایجاد خستگی می‌شود (نصار، ۱۹۹۹م، ص ۱۸۴)؛ به همین دلیل، تغییر و تنوع فواصل را بر مدار سوره و درون برخی از سوره‌ها می‌بینیم. برخی از مفسران و قرآن‌پژوهان نیز دلیل این تغییر و تنوع را عنایت ویژه و بیشتر به آیه‌ای می‌دانند که روی آن تغییر کرده است (همان، ص ۱۸۵). برخی نیز معتقد هستند این تنوع برای اتمام معانی است که سیاق آیات اقتضای آن را دارد و نه اتمام سجع؛ زیرا غرض اصلی از فواصل سجع نیست (مرسی، ۱۴۲۰ق، صص ۵۹-۶۰). بعضی نیز تغییر فاصله را نشانه‌ای برای تغییرات موضوعی قلمداد کرده‌اند و آن را «تصویر اللوحه القرآنیة» نام نهاده‌اند (خضر، ۱۴۲۰ق، صص ۱۵۲-۱۵۳). این نظریه اهمیت اسلوب حذف و مراعات فواصل متماثل و متقارب را بیش از پیش روشن می‌کند. پس، در کنار هم آمدن فواصل در قرآن تکلف نیست و به همین دلیل، بعضی از آیات قرآن به صورت متماثل و برخی به صورت غیرمتماثل آمده‌اند. بنا بر آنچه گفته شد، دلایل تغییر و تنوع در فواصل عبارت‌اند از:

- الف) رفع خستگی قاری و مستمع و ایجاد نشاط در آن‌ها،
- ب) جلوگیری از اضطراب در سجع و تکلف در روی متماثل یا متقارب،
- پ) توجه و عنایت بیشتر به آیه دارای روی متفاوت (مقطع) و
- ت) تنوع به دلیل شرایط معنایی آیه و سیاق آن (لوح قرآنی).

۸- دیدگاه مختار

قرآن به عنوان سخن خداوند ظرفیت قبول چندین

احتمال را در یک مورد مشخص دارد؛ بنابراین، بیشتر ادله بیان‌شده توسط مفسران، ادیبان و قرآن‌پژوهان ممکن است پذیرفته شوند. وجوه ادبی، اختصار، تناسب و زیبایی لفظ و ایجاد توازن در فواصل، جلوگیری از خستگی و دل‌زدگی ناشی از اطناب در کلام، مقتضای حال، سیاق سخن، جو سوره، آهنگ کلام (آوا و معنای آوا)، بافت موقعیتی، الواح قرآنی، مشخصه‌های واجی مشترک، حفظ وحدت فقرات و یکپارچگی آن‌ها، برجسته‌سازی و دیگر وجوه صرفی، نحوی و بلاغی بیان‌شده توسط قرآن‌پژوهان، ممکن است برای کشف لایه‌های معنایی و بیانی آیاتی استفاده شوند که در فواصل آن‌ها حذف رخ داده، است. به بیان دیگر، مؤلفه‌های مختلف که در خدمت این اسلوب زیبا درآمده‌اند، در کنار دیگر ظرفیت‌های زبانی ویژه قرآن، خواننده را وادار می‌کنند تا از طریق توجه به نقش عناصر نظم‌آفرین و با تأمل در آن‌ها، ضمن کشف مقاصد زیباشناختی این فرائنجاری‌ها، ارتباطی بیشتر با متن برقرار کند که نتیجه آن درک عمیق‌تر پیام این کتاب مقدس است.

در هر دوره، ابزار و وسایلی در دست دانشمندان و پژوهشگران مطالعه‌های قرآن وجود داشته‌اند که با استفاده از آن‌ها، فضاهایی جدید کشف و استخراج می‌شدند. در دوره معاصر، روش‌های نقد ادبی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و معناشناسی، ابزارهای جدید و متفاوت با کاربری‌های نو در اکتشاف گهرهای دریای بی‌کران قرآن، فراروی افراد قرار گرفته‌اند.

پیگیری نشانه‌های زبانی در قالب علم معناشناسی در رسیدن به معنا بسیار ضروری است. مطالعه این نشانه‌ها در آیاتی که در فواصل آن‌ها حذف رخ داده است، دریچه‌ای نو به سوی پیام‌ها و آموزه‌های نهفته متن گشوده و افزون بر آن، برجستگی‌ها و شاهکارهای ادبی این اسلوب را به نمایش می‌گذارد (سلیمی و ساداتی سرخکلاهی، ۱۳۹۸ش، صص ۳۳-۳۶)؛ بنابراین، در نشانه‌شناسی فواصل آیات، با بررسی نشانه‌های زبانی در

آیاتی که در فواصل آن‌ها حذف رخ داده است، می‌توان به کشف شبکه‌های معنایی نهفته با توجه به بافت موقعیتی کلام دست یافت که این امر دریچه‌ای جدید را به سوی اعجاز فواصل قرآنی می‌گشاید.

حاصل پیگیری نشانه‌های زبانی در قرآن کریم و به ویژه فواصل آن دست‌یابی به برخی از معانی ضمنی و جلوه‌گری هرچه بیشتر اعجاز بیانی آن و ترغیب خواننده به هرچه بیشتر مأنوس شدن با این آیات الهی است. توجه به ساختارهای زبانی سبب توجه بیشتر و دقیق‌تر به مفاهیم نورانی قرآن می‌شود و نکاتی را بیان می‌کند که حتی مفسران بزرگ به آن‌ها اشاره نکرده‌اند و همچون گنج‌هایی پنهان در بطن آیات جای گرفته‌اند که با پدیدار شدن گوشه‌ای از این دُر و گوهر الهی، اعجاز کلام الهی بیشتر نمایان می‌شود. با توجه به این موضوع، اهمیت بررسی علوم نشانه‌شناسی و معناشناسی مشخص می‌شود.

۹- نتیجه‌گیری

دیدگاه اندیشمندان در رابطه با اسلوب حذف در فواصل قرآنی و نوع نگرش و برداشتی که از علل حذف در فواصل داشته‌اند، به پنج دسته تقسیم می‌شود: ۱- رویکرد ادبی، ۲- رویکرد زیباشناسانه، ۳- دیدگاه معناشناسانه، ۴- همپایه بودن معنا و زیبایی لفظ و ۵- مطالعات آواشناسانه.

تمام دیدگاه‌های پنج‌گانه که توسط اندیشمندان بیان شده‌اند ممکن است به یک میزان برای ژرف‌کاوی در اسلوب حذف در فواصل مهم باشند و ترجیح دادن آن‌ها بر یکدیگر نمی‌تواند درست باشد؛ بنابراین، تمام دلایل و رویکردهای استفاده‌شده توسط آن‌ها به یک میزان در این اسلوب چشمگیر و جالب توجه هستند.

در موازات تمام ادله بیان‌شده توسط قرآن‌پژوهان، باید توجه داشت عدم توجه به ساختارهای مختلف حذف در فواصل قرآنی با رویکرد معناشناسی و بی‌توجهی نسبت به این گستره معنایی، خواننده را از کشف تمامی اهداف

معنایی متن بازخواهد داشت؛ زیرا تکمیل معنای کلام با واکاوی تمامی ساختارهای متن انجام می‌شود. چنین توجه موشکافانه‌ای در فواصل آیات به عنوان یکی از نشانه‌های دارای معنا در قرآن کریم موضوعی است که در پژوهش‌های معاصر چندان به آن توجه نشده است و اگر هم پژوهشی در رابطه با آن وجود داشته است، بیشتر به یک بُعد از ساختار زبانی آن توجه کرده است یا بیشتر جنبه زیبایی‌شناختی داشته است و به بار معنایی آن که به زوایایی از اعجاز ادبی قرآن اشاره دارد، چندان توجه نکرده است؛ بنابراین، توجه به چنین موضوع‌هایی در معناشناسی قرآن کریم یک ضرورت است.

منابع

قرآن کریم

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). *زادالمسیر فی علم التفسیر*. بیروت: دارالکتب العربی.
ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۰۴ق). *تاریخ ابن خلدون*. بیروت: دارالفکر.
ابن عادل، عمر بن علی. (۱۴۱۹ق). *اللباب فی علوم الکتاب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن عاشور، محمد بن طاهر. (۱۴۲۰ق). *التحریر والتنویر*. بیروت: موسسه التاریخ العربی.
ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
ابن هشام، عبدالله بن یوسف. (بی‌تا). *اوضح المسالک الی الفیه ابن مالک*. بیروت: المکتبه المصریه.
ابوزید، احمد. (۱۹۹۲م). *التناسب الیانی فی القرآن، دراسة فی النظم المعنوی والصوتی*. رباط: مطبعة الجدیدة الدارالبیضاء.
أبوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد

پژوهش‌های اسلامی.
أبو حسان، جمال محمود. (۱۴۳۱ق). *الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة*. عمان: دارالفتح للدراسات والنشر.
ابوزهره، محمد. (۱۴۱۸ق). *المعجزة الكبرى القرآن*. قاهره: دارالفکر العربی.
أبوشادی، مصطفى عبدالسلام. (بی‌تا). *الحذف البلاغی فی القرآن الکرم*. قاهره: مکتبه القرآن.
أبوعلی فارسی، حسن بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الحجۃ للقراء السبعة*. بیروت: دارالمأمون للتراث.
اخفش، سعید بن مسعود. (۱۴۲۳ق). *معانی القرآن* (به کوشش هدی محمود قراعه). قاهره: مکتبه الخانجی.
استیری، محمد. و توکلی خانیک، محمدجواد. (۱۴۰۱ش). *سیر تحول تاریخی آرای مفسران درباره اسلوب حذف در فواصل قرآنی*. پژوهشنامه نقد آرای تفسیری، ۳(۵)، ۱۴۱-۱۶۵.
آخوندی، علی اصغر. (۱۳۹۵ش). *بررسی تطبیقی تعاریف فاصله قرآنی*. مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروع وحدت)، ۱۱(۴۴)، ۸۱-۹۶.
آخوندی، علی اصغر. (۱۳۹۹ش). *بازسامانی دیدگاه‌ها و گونه‌های ساختارشنکی لفظی و ادبی در فواصل قرآن*. پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۸(۳۱)، ۱-۲۶.
الحسنی، مکی. (۱۴۳۷ق). *حذف یاء المتکلم و ثلاث یاءات آخر*. المجمع اللغة العربیة بدمشق، ۹۶(۳)، ۷۷۷-۷۸۱.
الدانی، عثمان بن سعید. (۱۴۱۴ق). *البیان فی عد آی القرآن*. کویت: مرکزالمخطوطات و التراث.
ألوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی* (به کوشش علی الباری عطیه). بیروت: دارالکتب العلمیه.
أنیس، ابراهیم. (۱۹۶۶م). *من أسرار اللغة*. قاهره: مکتبه الأنجلو المصریه.
باقلانی، قاضی ابوبکر محمد بن طیب. (۱۴۲۱ق). *اعجاز القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
بدوی، عمار توفیق أحمد. (۱۴۲۸ق). *الفاصله القرآنیة*

- شکلاً و بلاغاً. باقیه الغربیه: اصدار مرکز الدراسات الاسلامیه والمخطوطات.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر. (۱۴۲۷ق). *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بلقاسم، دفة. (۱۴۳۰ق). نماذج من الاعجاز الصوتی فی القرآن الکریم. کلیه الآداب واللغات، ۳(۵)، ۳۲-۶۶.
- بنت شاطی، عایشه. (۱۴۰۴ق). *الاعجاز الالبانی للقرآن و مسائل ابن الأزرق*. قاهره: دارالمعارف.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *انوارالتنزیل و اسرارالتأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پاشازانوس، احمد، نظری، علیرضا، و فولادی، مریم. (۱۳۹۴ش). تحلیل عناصر نقش‌مند در انسجام‌بخشی به ساختار آوایی متن قرآنی (بررسی موردی سوره‌های قمر، رحمن و واقعه). *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ۴(۷)، ۲۵-۴۲.
- پاشازانوس، احمد، و فولادی، مریم. (۱۳۹۵ش). تحلیل آواشناختی سجع در قرآن کریم از منظر انسجام‌بخشی به متن (بررسی موردی سوره‌های طور، نجم، قمر، رحمن و واقعه). *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، ۴(۱۴)، ۵۱-۷۹.
- تاج، عبدالرحمن. (۱۳۹۵ق). السجع و تناسب الفواصل و ما یكون من ذلك فی القرآن الکریم. مجمع اللغة العربیه بالقاهره، ۱۳(۳۶)، ۲۰-۳۹.
- تفتازانی، مسعود بن عمر. (بی‌تا). *کتاب المطول و بهامشه حاشیه السید میر شریف*. قم: مکتبه الداوری.
- جیوسی، عبدالله محمد. (۱۴۲۶ق). *التعبیر القرآنی والدلالة النفسیه*. دمشق: دارالغوثانی للدراسات القرآنیه.
- حسن، عباس. (۱۳۶۷ش). *النحو الوافی*. تهران: ناصر خسرو.
- حسنای، محمد. (۱۴۰۶ق). *الفاصله فی القرآن*. بیروت: دارالمکتب الاسلامی.
- حسومی، ولی الله. (۱۳۹۲ش). تحلیل زبان ادبی قرآن با تکیه بر نقد نظریه جدایی زبان ادبی از زبان عادی. *نقد*
- و نظر، ۱۸(۴)، ۲-۳۲.
- حسینی، جعفر. (۱۳۸۷ش). *اسالیب البدیع فی القرآن*. قم: بوستان کتاب.
- حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی‌تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: بی‌نا.
- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). *شمس العلوم*. دمشق: دارالفکر.
- خرقانی، حسن. (۱۳۹۰ش). *فراهنجاری‌های ادبی در فواصل آیات و تفسیرهای زیباشناسانه و معناشناسانه آن*. *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*، ۴۳(۲)، ۱۰۹-۱۳۶.
- خرقانی، حسن. (۱۳۹۲ش). *زیبایی‌شناسی قرآن از نگاه بدیع*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- خضر، السید. (۱۴۲۰ق). *فواصل الآیات القرآنیه*. قاهره: مکتبه الآداب.
- خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن. (بی‌تا). *الایضاح فی علوم البلاغه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خفاجی، احمد بن محمد. (۱۴۱۷ق). *الحاشیه علی تفسیر البیضاوی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خلف، مصطفی شاهر. (۱۴۳۰ق). *اسلوب الحذف فی القرآن الکریم و اثره فی المعانی و الاعجاز*. عمان: دارالفکر.
- خلیفه، احمد عبدالمجید محمد. (۱۴۲۶ق). *نهایات الآیات القرآنیه بین اعجاز المعنی و روعه الموسیقیا*. قاهره: مکتبه الآداب.
- رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *شرح شافیه ابن حاجب*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رمانی، علی بن عیسی. (۱۴۲۹ق). *النکت فی اعجاز القرآن*. قاهره: دارالمعارف.
- زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). *تاج العروس*. بیروت: دارالفکر.
- زجاج، ابراهیم بن سری. (۱۴۰۸ق). *معانی القرآن و اعرابه* (به کوشش عبدالجلیل عبده شلبی). بیروت: عالم

- الکتاب.
- زرکشی، بدرالدین. (۱۴۱۰ق). *البرهان فی علوم القرآن* (محمد ابوالفضل ابراهیم، پژوهشگر) بیروت: دارالمعرفة.
- سامرائی، فاضل صالح. (۱۴۳۲ق). *أسئلة بيانية فی القرآن الكريم*. بیروت: دار ابن کثیر.
- سکاکي، يوسف بن ابی بکر. (بی تا). *مفتاح العلوم*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سلیمی، سیده فاطمه. و ساداتی سرخکلاهی، سیده خدیجه. (۱۳۹۸ش). تحلیل نشانه-معناشناختی فواصل قرآن در حوزه تشبیه و استعاره. *پژوهشنامه تأویلات قرآنی*، ۲(۲)، ۵۴-۲۸.
- سیبویه، عمر بن عثمان. (۱۴۰۸ق). *الكتاب*. قاهره: مکتبه الخانجی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالکتب العربی.
- شنقیطی، محمد امین. (۱۴۲۷ق). *اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- شهبازی، محمود. و شهبازی، اصغر. (۱۳۹۲ش). کارکردهای زیباشناختی ایجاز حذف در قرآن کریم. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۲(۳)، ۶۸-۵۵.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق. (۱۴۲۰ق). *فتح البیان فی مقاصد القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۰ش). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- ضیایی، خدیجه. و ماهرزاده، طاهر. (۱۴۰۰ش). چگونگی کاربرد مبنای تصویرآفرینی اسلوب بیان قرآن در پژوهش‌های سید قطب. *تحقیقات قرآنی و حدیثی*، ۳(۵)، ص ۵۹-۸۳.
- طالب‌پور، دانا. (۱۴۰۰ش). شگردهای برجسته‌سازی در سوره «مؤمنون» بر اساس نظریه هنجارگرایی و هنجارافزایی فرمالیست‌ها. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۱۰(۲۰)، ۲۰۸-۱۸۵.
- طالقانی، محمود. (۱۳۶۲ش). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طاهرخوانی، جواد. (۱۳۸۳ش). *بلاغت و فواصل قرآن*. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
- طبق، عبدالجواد محمد. (۱۴۱۳ق). *دراسة بلاغیة فی السجع والفاصلة القرآنیة*. بیروت: دارالأرقم للطباعة والنشر والتوزیع.
- طل، حسن. (بی تا). *حول الاعجاز البلاغی للقرآن*. منصوره: مکتبه الایمان.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان* (به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی). نجف: دار احیاء التراث.
- عبدالتواب، صلاح الدین. (۱۹۹۵م). *الصورة الادبیة فی القرآن الكريم*. لوندان: الشركة المصریة العالمیة للنشر.
- عبدالحمید، مصطفی شعبان. (۱۴۲۸ق). *المناصب فی القرآن*. اسکندریه: مکتبه الجامعی الحدیث.
- عطیه، مختار. (۱۴۱۶ق). *الایجاز فی کلام العرب و نص الاعجاز*. اسکندریه: دارالمعرفة الجامعیة.
- علی الصغیر، محمد حسین. (۱۴۲۰ق). *الصوت اللغوی فی القرآن*. بیروت: دارالمورخ العربی.
- عنیکي، علی عبدالله حسین. (۱۴۳۲ق). *البناء اللغوی فی الفواصل القرآنیة*. عمان: دار صفاء للنشر و التوزیع.
- عوده، رجاء بنت محمد. (۱۴۲۴ق). *الاعجاز القرآنی و أثره علی مقاصد التنزیل الحکیم*. ریاض: مکتبه العبیکان.
- عیسی، غربی. و سلیمان، ابن علی. (۲۰۱۹م). *العدول اللفظی فی الفاصله القرآنیة بین مراعاة الفاصله و اعتبار دلالة السياق*. *مجلة أنسنه للبحوث و الدراسات*، ۱۰(۲)، ۲۳۷-۲۲۵.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰ش). *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*

- (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰م). معانی القرآن. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فرستخواه، مقصود. (۱۳۷۶ش). زبان قرآن. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قطان، مناع. (۱۴۲۱ق). مباحث فی علوم القرآن. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- سید قطب، ابراهیم (۱۴۱۵ق). التصوير الفنی فی القرآن. بیروت: دار الشروق.
- کردزغفرانلو کامبوزیا، عالیہ. و شاهوردی شهرکی، فاطمه. (۱۳۹۴ش). شناسایی طبقات طبیعی همخوان‌ها با توجه به سجع پایانی آیات قرآن کریم. علم زبان، ۳(۵)، ۷۳-۸۸.
- رسولی کرهرودی، احسان، اناری بزچلوئی، ابراهیم، سجادی، سید أبو الفضل، و امیدعلی، احمد. (۱۳۹۸ش). هنجارگریزی و برجسته‌سازی در سورة طه از دیدگاه لیج. پژوهشنامه نقد ادب عربی، ۱۲(۱۹)، ۱۵۱-۱۷۸.
- لاشین، عبدالفتاح. (۱۴۳۵ق). من اسرار التعبير فی القرآن الکریم الفاصلة القرآنیة. قاهره: دارالفکر العربی.
- محبوب، الحسن محمد. (۱۴۱۷ق). مناسبة الفواصل القرآنیة و علاقتها بآياتها. جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیة، ۹(۱۸)، ۷۱-۱۲۴.
- محمد، احمد سعد. (بی تا). التوجيه البلاغی للقرائن القرآنیة. قاهره: مكتبة الآداب.
- مختاری، قاسم. و شانقی، غلامرضا. (۱۳۹۵ش). تطبیق عناصر زیبایی‌شناسی قرآن کریم با نظریه هنجارگریزی نحوی، نمونه مورد پژوهانه: سورة مبارکه كهف. پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۴(۱۳)، ۶۰-۸۸.
- مرسی، کمال الدین عبدالغنی. (۱۴۲۰ق). فواصل الآيات القرآنیة. اسکندریه: المكتبة الجامعی الحديث.
- مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد. (۱۴۱۳ق). خصائص التعبير القرآنی و سماته البلاغیة. قاهره: مكتبة وهب.
- مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد. (بی تا). لطائف و
- أسرار خصوصیات الرسم العثماني للمصحف الشريف. بی جا: بی نا.
- مقیاسی، حسن. و فرجی، مطهره. (۱۳۹۵ش). تناسب ساختار با محتوا با توجه به دو نظریه «نظم و آشنایی‌زدایی» (با محوریت سورة لیل). پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۵(۱۰)، ۸۱-۱۰۴.
- مکی، ابن عقیله. (۱۴۲۷ق). الزیادة والاحسان فی علوم القرآن. شارقه: مرکز البحوث والدراسات.
- میدانی، عبدالرحمن حسن حنیکه. (۱۳۶۱ش). معارج التفكير و دقائق التدبر. دمشق: دارالقلم.
- نجاریان، ماجد. (۱۳۸۵ش). الدلالة الصوتیة فی القرآن الکریم. نجف: اهل البيت.
- نحاس، احمد بن محمد. (۱۴۲۱ق). اعراب القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- نصار، حسین. (۱۹۹۹م). الفواصل. قاهره: مكتبة مصر.
- یاسوف، احمد. (۱۳۸۸ش). زیباشناسی واژگان قرآن. تهران: سخن.
- یاسوف، احمد. (۱۴۲۷ق). دراسات فنیة فی القرآن الکریم. دمشق: دارالمکتبی.
- یافی، نعیم. (۱۴۰۴ق). قواعد التشکل النغم فی الموسیقی. التراث العربی، ۶(۱۵-۱۶)، ۱۳۲-۱۵۳.
- یافی، نعیم. (۱۴۰۷ق). عودة الى موسیقی القرآن. التراث العربی، ۸(۲۵ و ۲۶)، ۵۷-۷۱.

Bibliography

The Holy Quran

- Ibn Jawzi, Abdulrahman ibn Ali. (1422 AH). Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Ibn Khaldun, Abdulrahman ibn Muhammad. (1404 AH). Tarikh Ibn Khaldun. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Adel, Umar ibn Ali. (1419 AH). Al-Lubab fi Ulum al-Kitab. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir. (1420 AH). Al-Tahrir wa al-Tanwir. Beirut: Arab History Foundation.
- Ibn Atiyah, Abdulhaq ibn Ghalib. (1422 AH).

- Center for Manuscripts and Heritage.
- Al-Alusi, Mahmoud ibn Abdullah. (1415 AH). *Ruh al-Ma'ani* (edited by Ali al-Bari Atiyah). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Anis, Ibrahim. (1966 AD). *Min Asrar al-Lughah*. Cairo: Anglo-Egyptian Bookstore.
- Al-Baqillani, Qadi Abu Bakr Muhammad ibn Tayyib. (1421 AH). *I'jaz al-Quran*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Badawi, Ammar Tawfiq Ahmad. (1428 AH). *Al-Fasilah al-Quraniyyah: Shape and Eloquence*. Baka al-Gharbiyyah: Islamic Studies and Manuscripts Center.
- Al-Biq'a'i, Ibrahim ibn Umar. (1427 AH). *Nazm al-Durar fi Tanasub al-Ayat wa al-Suwar*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Belkacem, Daffa. (1430 AH). Examples of the Acoustic Miracle in the Holy Quran. *College of Literature and Languages*, 3(5), 32-66.
- Bint Shati, Aisha. (1404 AH). *The Miraculous Eloquence of the Quran and Issues of Ibn al-Azraq*. Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Al-Baydawi, Abdullah ibn Umar. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Pashazanous, Ahmad, Nazari, Alireza, & Fuladi, Maryam. (1394 SH). Analysis of Cohesive Elements in Quranic Phonetic Structure: Case Studies of Surahs Qamar, Rahman, and Waqi'ah. *Journal of Quranic Interpretation and Language*, 4(7), 25-42.
- Pashazanous, Ahmad & Fuladi, Maryam. (1395 SH). Phonetic Analysis of Rhyme in the Holy Quran for Text Cohesion (Case Studies of Surahs Tur, Najm, Qamar, Rahman, and Waqi'ah). *Literary and Quranic Research*, 4(14), 51-79.
- Taj, Abdulrahman. (1395 AH). Rhyme and the Balance of Pauses in the Holy Quran. *Arabic Language Academy Journal*, Cairo, 13(36), 20-39.
- Al-Taftazani, Mas'ud ibn Umar. (n.d.). *Kitab al-Mutawwal with the Commentary of Sayyid Mir Sharif*. Qom: Dar al-Dawari.
- Jiyusi, Abdullah Muhammad. (1426 AH). *Quranic Expression and Psychological Significance*. Damascus: Al-Ghawthani Center for Quranic Studies.
- Hassan, Abbas. (1367 SH). *Al-Nahw al-Wafi*. Tehran: Nasir Khosrow.
- Al-Hasnawi, Muhammad. (1406 AH). *The Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Ibn Manzur, Abu al-Fadl Jamal al-Din Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Sadir.
- Ibn Hisham, Abdullah ibn Yusuf. (n.d.). *Awadih al-Masalik ila Alfiyyat Ibn Malik*. Beirut: Al-Maktabah al-Misriyyah.
- Abu Zayd, Ahmed. (1992 AD). *Al-Tanasub al-Bayani fi al-Quran: Dirasah fi al-Nazm al-Ma'nawi wa al-Sawti*. Rabat: Al-Jadidah Press, Casablanca.
- Abu al-Futuh Razi, Husayn ibn Ali. (1408 AH). *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Quran*. Mashhad: Islamic Research Foundation.
- Abu Hassan, Jamal Mahmoud. (1431 AH). *Al-Dalalat al-Ma'nawiyyah li Fawasil al-Ayat al-Quraniyyah*. Amman: Dar al-Fath for Studies and Publishing.
- Abu Zahra, Muhammad. (1418 AH). *Al-Mu'jizah al-Kubra al-Quran*. Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Abu Shadi, Mustafa Abd al-Salam. (n.d.). *Al-Hadhf al-Balighi fi al-Quran al-Karim*. Cairo: Maktabat al-Quran.
- Abu Ali al-Farisi, Hasan ibn Muhammad. (1413 AH). *Al-Hujjah li al-Qurra' al-Sab'ah*. Beirut: Dar al-Ma'mun for Heritage.
- Akhfash, Sa'id ibn Mas'ada. (1423 AH). *Ma'ani al-Quran* (edited by Huda Mahmoud Qara'ah). Cairo: Maktabat al-Khanji.
- Estiri, Muhammad, & Tavakkoli Khaniki, Mohammad Javad. (1401 SH). The Historical Evolution of Exegetical Opinions on Deletion in Quranic Verses. *Journal of Interpretation Critique*, 3(5), 141-165.
- Akhundi, Ali Asghar. (1395 SH). Comparative Study of Definitions of Quranic Pauses. *Approximate Studies of Islamic Sects*, 11(44), 96-81.
- Akhundi, Ali Asghar. (1399 SH). Restructuring Views and Types of Verbal and Literary Deconstruction in Quranic Pauses. *Literary and Quranic Researches*, 8(31), 1-26.
- Al-Hasani, Makki. (1437 AH). Omission of the Yaa of Possession and the Last Three Yaas. *Damascus Arabic Language Academy Journal*, 96(3), 777-781.
- Al-Dani, Uthman ibn Said. (1414 AH). *Al-Bayan fi 'Add Ayat al-Quran*. Kuwait:

- Samarrai, Fadhil Salih. (1432 AH). *As'ilah Bayaniyyah fi al-Qur'an al-Karim*. Beirut: Dar Ibn Kathir.
- Sakkaki, Yusuf ibn Abi Bakr. (n.d.). *Miftah al-Ulum*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Salimi, Sayyida Fatemeh, & Sadati Sarkhelai, Sayyida Khadijeh. (2019). A semiotic-semantic analysis of Quranic pauses in the context of metaphor and simile. *Journal of Quranic Interpretations*, 2(2), 28-54.
- Sibawayh, Umar ibn Uthman. (1408 AH). *Al-Kitab*. Cairo: Maktabat al-Khanji.
- Suyuti, Jalal al-Din. (1421 AH). *Al-Itqan fi 'Ulum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi.
- Shanqiti, Muhammad Amin. (1427 AH). *Adwa' al-Bayan fi Idah al-Qur'an bil-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Shahbazi, Mahmoud, & Shahbazi, Asghar. (2013). Aesthetic functions of conciseness in the Holy Qur'an. *Quranic Linguistic Studies*, 2(3), 55-68.
- Siddiq Hasan Khan, Muhammad Siddiq. (1420 AH). *Fath al-Bayan fi Maqasid al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Safavi, Kourosh. (2011). *From Linguistics to Literature*. Tehran: Sooreh Mehr Publishing Company.
- Ziaei, Khadijeh, & Mahrouzadeh, Taher. (2021). The application of Quranic imagery in Sayyid Qutb's studies. *Quranic and Hadith Studies*, 3(5), 59-83.
- Talibpour, Dana. (2021). Foregrounding techniques in Surat al-Mu'minun. *Quranic Linguistic Studies*, 10(20), 185-208.
- Taleqani, Mahmoud. (1983). *A Ray of the Qur'an*. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar.
- Taherkhani, Javad. (2004). *Rhetoric and Quranic Pauses*. Tehran: University of Tehran, Jihad Daneshgahi.
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan. (1993). *Majma' al-Bayan*. Tehran: Nasir Khusraw.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1412 AH). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ma'arif.
- Tabaq, Abd al-Jawad Muhammad. (1413 AH). *A Rhetorical Study of Quranic Pauses*. Beirut: Dar al-Arqam Publishing.
- Tabil, Hasan. (n.d.). *On the Rhetorical Miracle of the Qur'an*. Mansoura: Maktabat al-Iman.
- Tusi, Muhammad ibn Hasan. (n.d.). *Al-Tibyan* (edited by Ahmad Habib Qasir Amili). Pauses in the Quran. Beirut: Dar al-Maktab al-Islami.
- Hassumi, Valiullah. (1392 SH). Analyzing the Literary Language of the Quran with Emphasis on the Critique of Literary and Ordinary Language Separation Theory. *Critique and View*, 18(4), 2-32.
- Al-Husseini, Jafar. (1387 SH). *Rhetorical Styles in the Quran*. Qom: Bustan-e Ketab.
- Haqqi al-Burusawi, Ismail ibn Mustafa. (n.d.). *Tafsir Ruh al-Bayan*. Beirut: n.p.
- Al-Humayri, Nashwan ibn Said. (1420 AH). *Shams al-Ulum*. Damascus: Dar al-Fikr.
- Kharqani, Hasan. (1390 SH). Linguistic Anomalies in Quranic Pauses and their Aesthetic and Semantic Interpretations. *Islamic Studies: Quranic and Hadith Sciences*, 43(2), 109-136.
- Kharqani, Hasan. (1392 SH). *Aesthetics of the Quran from a Literary Perspective*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
- Khidr, Al-Sayyid. (1420 AH). *Pauses in Quranic Verses*. Cairo: Maktabat al-Adab.
- Al-Khatib al-Qazwini, Muhammad ibn Abd al-Rahman. (n.d.). *Al-Idah fi Ulum al-Balagha*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Al-Khafaji, Ahmad ibn Muhammad. (1417 AH). *Commentary on Al-Baydawi's Tafsir*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Khlouf, Mustafa Shahir. (1430 AH). *Deletion in the Holy Quran and Its Impact on Meanings and Miracles*. Amman: Dar al-Fikr.
- Khalifa, Ahmad Abdul Majid Muhammad. (1426 AH). *Quranic Verse Endings: Between Meaning Miracles and Musical Beauty*. Cairo: Maktabat al-Adab.
- Razi al-Din Astaraabadi, Muhammad ibn Hasan. (n.d.). *Sharh Shafiyyat Ibn Hajib*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Rummani, Ali ibn Isa. (1429 AH). *Al-Nukat fi I'jaz al-Qur'an*. Cairo: Dar al-Ma'arif.
- Zabidi, Murtada. (1414 AH). *Taj al-Arus*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Zajaj, Ibrahim ibn Sari. (1408 AH). *Ma'ani al-Qur'an wa I'rabuh* (edited by Abd al-Jalil Abduh Shalabi). Beirut: Alam al-Kutub.
- Zarkashi, Badr al-Din. (1410 AH). *Al-Burhan fi 'Ulum al-Qur'an* (researched by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim). Beirut: Dar al-Ma'arif.

- Bezechlouei, Ibrahim, Sajjadi, Sayyid Abulfazl, & Omidali, Ahmad. (2019). Deviation and Foregrounding in Surat Taha. *Journal of Arabic Literature Criticism*, 12(19), 151-178.
- Lashyn, Abd al-Fattah. (1435 AH). *Secrets of Expression in the Qur'an*. Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.
- Mahjoub, Hassan Muhammad. (1417 AH). *The Relevance of Quranic Pauses and Their Relationship to the Verses*. Imam Muhammad bin Saud Islamic University, 9(18), 71-124.
- Muhammad, Ahmed Saad. (n.d.). *Rhetorical Analysis of Quranic Readings*. Cairo: Maktabat al-Adab.
- Mokhtari, Qasim, & Shangi, Gholamreza. (2016). Applying Quranic Aesthetic Elements with the Theory of Syntactic Deviation: A Study on Surat al-Kahf. *Literary-Scientific Research*, 4(13), 60-88.
- Mursi, Kamal al-Din Abd al-Ghani. (1420 AH). *Quranic Verses and Rhymes*. Alexandria: Modern University Library.
- Muta'ini, Abd al-Azim Ibrahim Muhammad. (1413 AH). *Characteristics of Quranic Expression and Its Rhetorical Features*. Cairo: Wahb Library.
- Muta'ini, Abd al-Azim Ibrahim Muhammad. (n.d.). *Secrets of the Ottoman Script of the Quran*. No location: No publisher.
- Moghiasi, Hasan, & Faraji, Motahhareh. (2016). The Appropriateness of Structure to Content in Surat al-Lail. *Quranic Linguistic Studies*, 5(10), 81-104.
- Makki, Ibn Aqilah. (1427 AH). *Al-Ziyada wal-Ihsan fi 'Ulum al-Qur'an*. Sharjah: Center for Research and Studies.
- Midani, Abd al-Rahman Hasan Hanbakeh. (1982). *The Ascents of Thought and Fine Contemplation*. Damascus: Dar al-Qalam.
- Najarian, Majid. (2006). *Phonetic Semantics in the Qur'an*. Najaf: Ahl al-Bayt.
- Nuhas, Ahmad ibn Muhammad. (1421 AH). *Irab al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Nassar, Hussein. (1999). *Al-Fawasil*. Cairo: Maktabat Misr.
- Yasouf, Ahmad. (2009). *The Aesthetics of* Najaf: Dar Ihya al-Turath.
- Abdul-Tawwab, Salah al-Din. (1995). *The Artistic Image in the Qur'an*. Longman: Egyptian International Publishing Company.
- Abd al-Hamid, Mustafa Shaaban. (1428 AH). *The Appropriateness of the Qur'an*. Alexandria: Modern University Library.
- Atiyah, Mukhtar. (1416 AH). *Conciseness in Arabic Speech and the Miracle of the Qur'an*. Alexandria: University Knowledge Library.
- Ali al-Saghir, Muhammad Hussein. (1420 AH). *The Linguistic Sound in the Qur'an*. Beirut: Dar al-Muwarrikh al-Arabi.
- Inbaki, Ali Abdullah Hussein. (1432 AH). *Linguistic Structure in Quranic Pauses*. Amman: Dar Safa for Publishing and Distribution.
- Uda, Raja bint Muhammad. (1424 AH). *The Qur'anic Miracle and Its Impact on the Purposes of Revelation*. Riyadh: Maktabat al-Ubaikan.
- Isa, Gharbi, & Suleiman, Ibn Ali. (2019). Lexical Deviation in the Qur'anic Pause Between Observing the Pause and Contextual Meaning. *Ansanah Journal for Research and Studies*, 10(2), 225-237.
- Fotouhi, Mahmoud. (2011). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*. Tehran: Sokhan.
- Fakhr al-Razi, Muhammad ibn Umar. (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Farra, Yahya ibn Ziyad. (1980). *Ma'ani al-Qur'an*. Cairo: General Egyptian Book Organization.
- Farasatkah, Maqsoud. (1997). *The Language of the Qur'an*. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Qattan, Mana. (1421 AH). *Studies in Quranic Sciences*. Beirut: Al-Risala Institution.
- Sayyid Qutb, Ibrahim. (1415 AH). *The Artistic Depiction in the Qur'an*. Beirut: Dar al-Shuruq.
- Kurdzafranlo-Kambozia, Alieh, & Shahverdi Shahraki, Fatemeh. (2015). Identifying Natural Consonant Classes with Respect to Quranic Rhyme. *Linguistic Science*, 3(5), 73-88.
- Karahroodi, Ehsan Rasooli, Anari

- Quranic Vocabulary. Tehran: Sokhan.
- Yasouf, Ahmad. (1427 AH). Artistic Studies in the Noble Qur'an. Damascus: Dar al-Maktabi.
- Yafi, Naeem. (1404 AH). The Rules of Rhythm Formation in Music. Arab Heritage, 6(15-16), 132-153.
- Yafi, Naeem. (1407 AH). Return to the Music of the Qur'an. Arab Heritage, 8(25-26), 57-71.

